

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۷۹ / ۵ / ۱۱

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه  
تعمیرات



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته حقوق بین الملل

عنوان تحقیق:

«مداخله بشر دوستانه ناتو در کوزوو و اصل عدم توسل به زور»

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سیدباقر میرعباسی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر شهاب مختاری

نگارش:

محمدعلی توکلی

خرداد ماه ۱۳۷۹

۲۸۴۴۳

۱۸۰۱۱

# فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه..... الف

## قسمت اول: کلیات و اصول

### فصل اول: تعاریف و مفاهیم

- مبحث اول - مفهوم مداخله بشردوستانه ..... ۲
- مبحث دوم - اعتبار حقوقی مداخله بشردوستانه..... ۵
- مبحث سوم - مداخله بشردوستانه از دیدگاه اسلام..... ۸

### فصل دوم: اصل عدم تهدید و توسل به زور

- مبحث اول - ممنوعیت کاربرد زور در روابط بین‌المللی ..... ۱۵
- مبحث دوم - منشور ملل متحد و اصل عدم توسل به زور..... ۲۰
- مبحث سوم - توجیه‌های مختلف برای استفاده از زور..... ۲۵
- مبحث چهارم - عملکرد دولت‌ها در مداخله بشردوستانه ..... ۳۳

### فصل سوم: عملکرد شورای امنیت در مداخله بشردوستانه

- مبحث اول - مداخله بشردوستانه در کردستان عراق..... ۴۳
- مبحث دوم - مداخله بشردوستانه در سومالی..... ۴۷
- مبحث سوم - مداخله بشردوستانه در بوسنی و هرزگوین ..... ۵۱
- مبحث چهارم - مداخله بشردوستانه در رواندا ..... ۵۴

مبحث پنجم - مداخله بشردوستانه در هائیتی ..... ۵۶

### فصل چهارم: سازمان‌های منطقه‌ای و اقدامات قهرآمیز شورای امنیت

مبحث اول - همکاری سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای ..... ۵۸

مبحث دوم - مشارکت ناتو در اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت ..... ۶۹

### قسمت دوم: مداخله بشردوستانه بدون مجوز شورای امنیت

#### فصل اول - بحران کوزوو و اقدامات شورای امنیت

مبحث اول - بحران کوزوو ..... ۸۱

مبحث دوم - اقدامات شورای امنیت قبل از مداخله نظامی ناتو ..... ۸۳

مبحث سوم - اقدامات شورای امنیت بعد از مداخله نظامی ناتو ..... ۹۳

#### فصل دوم - مداخله نظامی ناتو و حقوق بین‌الملل

مبحث اول - عدم انطباق مداخله نظامی ناتو با حقوق بین‌الملل موجود ..... ۱۰۴

مبحث دوم - شکایت یوگسلاوی علیه ۱۰ کشور عضو ناتو در دیوان ..... ۱۰۸

مبحث سوم - تفسیر موسع مواد منشور برای توجیه مداخله نظامی ناتو ..... ۱۲۴

مبحث چهارم - احتمال تکوین یک دکترین جدید در حقوق بین‌الملل ..... ۱۳۵

سخن آخر ..... ۱۴۶

کتابشناسی ..... ۱۵۴

ضمائم ..... ۱۵۹

جلسه

در حقوق بین‌الملل سنتی، مداخله بشردوستانه با مشکل زیادی مواجه نبود زیرا توسل به زور بطور کلی ممنوع نشده بود. اما با تدوین تدریجی اصول ممنوع کننده کاربرد زور در روابط بین‌المللی از جمله در میثاق جامعه ملل، پیمان بریان-کلوگ، و تکمیل آنها در منشور ملل متحد و همچنین تأکیدی که در دوران پس از منشور، بر اصل عدم مداخله و عدم توسل به زور، و حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی شده است، مداخله بشردوستانه بعنوان امری مطرود و مغایر با حقوق بین‌الملل درآمد و در مواردی که دولت‌ها تحت این بهانه دست به اقدام زدند با محکومیت جامعه بین‌المللی مواجه شدند. بعنوان مثال، مداخلات بشردوستانه هند در پاکستان شرقی، اسرائیل در اوگاندا، تانزانیا در اوگاندا، ویتنام در کامبوج، آمریکا در نیکاراگوئه، از سوی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی محکوم شدند.

ولی بررسی اقدامات شورای امنیت در دهه کنونی، نشان می‌دهد در وضعیت‌هایی که شورای امنیت به دلیل پناهندگی گروه زیادی از انسانها به قلمرو دولت‌های مجاور، یا گسترش جنگ‌های داخلی به کشورهای همسایه، یا خطر مرگ برای عده زیادی از انسانها بعزت درگیری‌های داخلی، صلح و امنیت را در خطر احساس کرده است، مبادرت به مداخله بشردوستانه نموده و واکنش جامعه بین‌المللی نیز با گذشته، متفاوت بوده است. آنچه ملاحظات دهه اخیر را از موارد قبلی متمایز می‌سازد این است که مداخلات بشردوستانه دهه اخیر، با مجوز شورای امنیت بوده است. بعبارت دیگر شاهد تحولی بنیادین در توسعه مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی و تسری آن به حقوق اساسی بشر بوده‌ایم. بطوریکه در حال حاضر عده‌ای از حقوق‌دانان بین‌المللی رعایت حقوق اساسی بشر توسط دولت‌ها را از جمله تعهدات ارگ او منس

۱) (Erga Omnes) دولت‌ها تلقی می‌نمایند و نقض آن را موجب نگرانی جامعه بین‌المللی می‌دانند.

معدالک، در بحران کوزوو، ناتو بدون کسب مجوز از شورای امنیت، اقدام به مداخله نظامی نمود. در خصوص زمینه‌هایی که موجب این مداخله نظامی شد، بطور خلاصه می‌توان گفت که لغو یکجانبه خودمختاری کوزوو در سال ۱۹۸۹ باعث نارضایتی سیاسی ساکنان کوزوو شد. آنها ابتدا از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز و تحت رهبری ابراهیم روگوا، برای احقاق حقوق از دست رفته خود تلاش می‌کردند ولی سرسختی دولت حاکم بر یوگسلاوی به رهبری میلوسویچ که در آرزوی تشکیل صربستان بزرگ بود، به افزایش شدت بحران کمک نمود. صرب‌ها برای رسیدن به هدف خود، با استفاده از شیوه‌های قهرآمیز به سرکوب آلبانی تبارهای کوزوو پرداختند که در نتیجه آن، عده زیادی قتل‌عام شده و بیش از یک میلیون نفر آواره گردیدند. تداوم بحران به‌مراه نسل‌کشی گسترده توسط صرب‌ها، حمایت جامعه جهانی را برانگیخت و به تدریج زمزمه‌های مداخله نظامی جهت پایان بخشیدن به این بحران مطرح شد. کشورهای غربی به رهبری آمریکا، طرفین درگیر در این بحران را برای رسیدن به یک راه حل، تحت فشار قرار دادند و به این ترتیب، مذاکرات صلح را مبنی بر گزار شد اما عدم پذیرش درخواست‌های مطرح شده در این مذاکرات توسط یوگسلاوی، از جمله استقرار نیروهای بین‌المللی جهت نظارت بر حسن اجرای مفاد معاهده صلح، باعث شد که دولت‌های غربی بهانه لازم را برای مداخله نظامی بدست آورند.

مداخله نظامی دولت‌های غربی در یوگسلاوی، با بمباران‌های هوایی ناتو از ۴ فروردین ماه لغایت ۲۰ خرداد ماه ۱۳۷۸ و با هدف بازگرداندن آوارگان به خانه و کاشانه خود، اعاده خودمختاری کوزوو، و استقرار نیروهای بین‌المللی در کوزوو انجام شد. این حملات نهایتاً با انجام مذاکرات صلح میان مقامات ناتو و یوگسلاوی و به دنبال توافق اجلاس وزراء امور خارجه


گروه هشت در تاریخ ۷۸/۳/۲۰ متوقف شد. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز بر اساس توافق فوق‌الذکر، با صدور قطعنامه شماره ۱۲۴۴ مجوز استقرار نیروهای بین‌المللی در کوزوو را برای مدت یکسال صادر کرد. بر طبق این قطعنامه، دولت یوگسلاوی ملزم می‌شد که فوراً به سرکوب مردم کوزوو خاتمه داده و تمام نیروهای نظامی، شبه نظامی و پلیس خود را از منطقه خارج سازد.

از لحاظ حقوقی، مهمترین ایراد به مداخله نظامی ناتو در یوگسلاوی، این است که ناتو شورای امنیت را دور زده و بدون کسب مجوز از شورای امنیت، مبادرت به مداخله نظامی کرده است. بنابراین اقدام ناتو خارج از محدوده منشور قرار می‌گیرد و غیرقانونی است. همچنین حمله هوایی ناتو به یوگسلاوی برخلاف اساسنامه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز می‌باشد زیرا ناتو یک سازمان دفاع دسته‌جمعی است که هدف از تشکیل آن، حمایت از اعضاء در مقابل حملات دولت‌های دیگر بوده است. بنابراین توسل به نیروی نظامی در شرایط دفاع مشروع، مجاز شمرده شده است. در حالیکه، در بحران کوزوو هیچیک از اعضای ناتو مورد حمله یوگسلاوی قرار نگرفته بودند. بعلاوه، توسل به زور توسط ناتو در یوگسلاوی، بر اساس فصل هشتم منشور، مبنی بر همکاری بین سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای نیز قابل توجیه نمی‌باشد زیرا اولاً هر گونه اقدام در این جهت، مستلزم صدور مجوز قبلی از شورای امنیت و نظارت کامل این شورا بر عملیات می‌باشد ثانیاً ناتو بر اساس فصل هفتم منشور تأسیس شده است.

← ) اگر چه ناتو در جریان بحران بوسنی هرزه‌گوین در سال ۱۹۹۴ بمنظور همکاری در عملیات صلح سازمان ملل متحد و با مجوز شورای امنیت اقدام به مداخله نظامی کرده بود ولی در بحران کوزوو، ناتو بدون کسب مجوز از شورای امنیت، اقدام به مداخله نظامی نمود که پدیده

ممکن است به مداخله در کشورهای دیگر نیز منجر گردد. مخصوصاً با توجه به مصوبه رهبران ناتو در ۲۶ آوریل ۱۹۹۹ در واشینگتن، ناتو که تاکنون بعنوان یک نهاد دفاعی مطرح بوده است. از این پس، می‌تواند بدون اجازه سازمان ملل متحد حمله نظامی علیه یک کشور یا حاکمیت مستقل را تدارک ببیند.

مداخله نظامی ناتو در یوگسلاوی از زوایای مختلف قابل بررسی است. ولی پایان‌نامه حاضر به بررسی ابعاد حقوقی آن می‌پردازد و خواهیم دید که آیا این یک واقعه منحصر به فرد است یا بیانگر ظهور و شکل‌گیری تدریجی دکترین جدیدی در حقوق بین‌الملل می‌باشد که بر اساس آن، علاوه بر استثنائات مذکور در منشور ملل متحد در خصوص ممنوعیت توسل به زور، یعنی دفاع مشروع و مداخله نظامی با مجوزهای شورای امنیت، مداخله بشردوستانه در شرایط خاص نیز استثناء جدیدی بر اصل عدم توسل به زور را تشکیل خواهد داد. در تهیه این پایان‌نامه، روش کتابخانه‌ای مورد استفاده قرار گرفته و همچنین از اطلاعات موجود در اینترنت استفاده شده است. در قسمت اول، به کلیات اصل عدم توسل به زور و مفهوم مداخله بشردوستانه و عملکرد شورای امنیت در زمینه مداخله بشردوستانه اشاره خواهد شد و در قسمت دوم، بحران کوزوو، مغایرت اقدامات نظامی ناتو با حقوق بین‌الملل موجود و احتمال تکوین یک دکترین جدید در حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر جمشید ممتاز، استاد محترم حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران بخاطر پیشنهاد موضوع و ارائه منابع اصلی تحقیق، و همچنین راهنمایی‌ها و هدایت‌های ارزنده جناب آقای دکتر سیدباقر میرعباسی، مدیر محترم گروه حقوق عمومی بعنوان استاد راهنما، و نیز جناب آقای دکتر شهاب مختاری بعنوان استاد مشاور، صمیمانه تشکر نمایم. 

این پایان‌نامه را به همسر و فرزندانم تقدیم می‌کنم زیرا تهیه آن، بدون فراغتی که آنها برایم فراهم کردند، میسر نمی‌گردید.

محمدعلی توکلی

خرداد ماه ۱۳۷۹



# قسمت اول: کلیات و اصول

## فصل اول: تعاریف و مفاهیم

### مبحث اول - مفهوم مداخله بشردوستانه

مداخله بشردوستانه در مفهوم کلاسیک آن، عبارت است از مداخله یکجانبه یک یا چند دولت در امور داخلی دولت دیگر با توسل به زور و بر اساس مقاصد و نیت بشردوستانه. دایرةالمعارف حقوق بین‌الملل، مداخله بشردوستانه را به شرح زیر تعریف می‌نماید:

«استفاده از زور توسط یک دولت علیه دولت دیگر بمنظور حمایت از جان و آزادی اتباع دولت اخیر که نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند رأساً این کار را انجام دهند.»<sup>(۱)</sup>

اوپنهایم، مداخله بشردوستانه را در صورتی مجاز می‌داند که شرایط زیر را داشته باشد: «هنگامیکه دولتی با رفتار بیرحمانه علیه اتباعش و یا تعقیب آنها، حقوق اساسی اتباع خود را به نحوی زیرپا گذارد که موجب جریحه‌دار شدن وجدان بشریت گردد.»<sup>(۲)</sup>

از تعاریف بالا ویژگی‌های مداخله بشردوستانه به شرح زیر استنتاج می‌شود:

**نقض فاحش حقوق اساسی بشر** - مجموعه تعاریف ارائه شده توسط علمای حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که در قرون هیجده و نوزده، هنگامی مداخله یک دولت در امور داخلی دولت دیگر مجاز شناخته می‌شد که نقض فاحش حقوق اساسی بشر مانند قتل‌عام و یا شکنجه در مقیاس وسیع صورت می‌گرفت. به نحوی که وجدان عمومی را جریحه‌دار می‌کرد. بنابراین نقض آن دسته از حقوق بشر که تأسیس آنها در دوره پس از تصویب منشور انجام گرفته، مانند حقوق زن، آزادی بیان و حق دسترسی به وکیل، هیچگاه موجب توسل به مداخله بشردوستانه نمی‌شده

---

1 - Encyclopedia of public International Law, vol. 3, p.211.

2 - oppenheim / Lauterpacht, International Law, London, 1955, p.312.

است. در این باره که کدامیک از حقوق بشر در زمره حقوق اساسی قرار دارند اتفاق نظر وجود ندارد ولی نقض حقوقی از قبیل حق زندگی و عدم تبعیض از جمله حقوقی محسوب می‌شود که نقض فاحش آنها، مداخله بشردوستانه را توجیه می‌کرده است.<sup>(۳)</sup>

سئوالی که مطرح می‌شود این است که آیا ارتکاب نقض فاحش حقوق بشر برای مداخله بشر دوستانه، شرط لازم است یا اینکه صرف وجود خطر نقض فاحش، مداخله بشردوستانه را توجیه می‌کند؟ در این خصوص برخی از علمای حقوق بین‌الملل وجود خطر را کافی می‌دانند از جمله لیلیچ<sup>(۴)</sup> که معتقد است: «چون هدف اصلی مداخله بشردوستانه حمایت از بشریت است بنابراین اصلی وجود ندارد که دولت مداخله کننده را مجبور کند که منتظر بماند تا عمل انجام گیرد و بعد مداخله کند. چون هدف این قبیل مداخلات، پیشگیری است و نه تنبیهی، بنابراین وجود خطر قریب‌الوقوع، برای توسل به مداخله بشردوستانه کافی است.»<sup>(۵)</sup> در حالیکه تعداد دیگری از علمای حقوق بین‌الملل کلاسیک معتقدند مداخله بشردوستانه باید هنگامی صورت گیرد که نقض فاحش حقوق بشر صورت گرفته، یا آنکه مداخله بمنظور جلوگیری از ادامه نسل‌کشی انجام گیرد.<sup>(۶)</sup>

هدف مداخله باید صرفاً بشردوستانه باشد - مداخله دولتها بر اساس مقاصد و نیات ملی‌گرایانه، توسعه طلبانه، یا بخاطر تضمین منافع اقتصادی، فرهنگی و غیره را نمی‌توان مداخله بشردوستانه نامید. با توجه به اینکه تشخیص نیات بشردوستانه دولتها از مقاصد و نیات

---

۲ - میرزایی ینگجه، سعید، تحول مفهوم حاکمیت، (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳).

4 - Lillich

5- Verwey, W.D., *Humanitarian Intervention Under International Law*, Netherlands International Law Review, vol 32, 1985, p.370.

6 - Ibid.

سیاسی آنها دشوار است. منتقدین مداخله بشردوستانه استدلال می‌کنند که مداخلات ظاهراً بشردوستانه، همیشه مقاصد دیگری را نیز دنبال می‌کرده است و مداخله صرفاً انسان دوستانه کمتر تحقق یافته است. عدم تمایل برای تغییر ساختار حکومت، عدم الحاق بخش‌هایی از قلمرو دولت مورد هدف به قلمرو خویش، خارج کردن به موقع نیروهای خود از قلمرو دولت مورد هدف، و مخصوصاً سابقه دولت مداخله‌کننده از جمله نشانه‌هایی است که از آن طریق می‌توان به نیت‌ها و مقاصد دولت مداخله‌کننده پی برد.

حمایت از اتباع دولت مورد هدف - نظر اغلب علمای حقوق بین‌الملل آن است که مداخله بشردوستانه به منظور حمایت از اتباع دولت مورد هدف صورت می‌گیرد. به عنوان نمونه گروسیوس معتقد است «هنگامیکه اتباع یک دولت علیه مظالم مستبدانه مبارزه می‌کنند، دولت‌ها حق دارند مداخله کنند».<sup>(۷)</sup> در حالیکه عده دیگری از حقوق‌دانان عقیده دارند که یک دولت در هنگام توسل به مداخله بشردوستانه می‌تواند از حقوق همه حمایت کند یعنی هم از حقوق اتباع دولت ثالث و هم از حقوق دولت مورد هدف.<sup>(۸)</sup>

برخی از حقوق‌دانان سعی کرده‌اند مداخله برای نجات اتباع خود در قلمرو دولت ثالث را نیز مداخله بشردوستانه محسوب نمایند. لازم به توجه است که نجات جان اتباع خودی در قلمرو دولت دیگر، در سیستم حقوقی قبل از منشور در چارچوب اصل خودیاری و دفاع مشروع توجیه می‌شد ولی با تصویب منشور ملل متحد، دفاع مشروع فقط در چارچوب ماده ۵۱، یعنی در صورتی میسر است که دولتی مورد تجاوز مسلحانه قرار گیرد.

---

7 - Verwey, W.D., op.cit, p.372.

8 - Ibid.

استفاده از نیروهای مسلح - ممکن است برای بهبود وضعیت حقوق بشر در یک کشور، از اهرم‌های فشاری مانند تحریم یا راه‌های دیگر استفاده کرد ولی باید توجه داشت که مداخله بشردوستانه در مفهوم کلاسیک آن، معمولاً با بکارگیری نیروهای مسلح از جانب یک یا چند دولت صورت می‌گرفت. بنابراین مکانیسم‌های موجود در سازمان ملل متحد برای نظارت بر اجرای حقوق بشر در کشورهای مختلف، ارتباطی با مفهوم سنتی «مداخله بشردوستانه» ندارد.

### مبحث دوم - اعتبار حقوقی مداخله بشردوستانه

در طول قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم مداخله بشردوستانه مقبولیت گسترده‌ای پیدا کرد. به نحوی که عده‌ای از علمای حقوق بین‌الملل معتقدند که بعنوان یک اصل در حقوق بین‌الملل سنتی پذیرفته شد. در حالیکه عده‌ای دیگر علیرغم اعتراف بر مقبولیت گسترده آن در دوره قبل از منشور، نسبت به پذیرش آن بعنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل نظر موافق ندارند.

در خصوص ریشه پیدایش این دکترین باید گفت که در نوشته‌های «گروسیوس»<sup>(۹)</sup> و «واتل»<sup>(۱۰)</sup> به آن اشاره شده است و عملکرد دولت‌های در قرون نوزدهم و بیستم، نشانه‌هایی از پذیرش آن را در رویه دولت‌ها نشان می‌دهد. در این دوره بود که قدرت‌های بزرگ به بهانه حمایت از اتباع دولت‌های دیگر، علیه آن دولت‌ها دست به اقدام نظامی زدند. عملکرد دولت‌ها موجب گردید که نویسندگان اروپایی بر اعتبار حقوقی این اصل تاکید کنند. واتل، حقوقدان فرانسوی، درباره مداخله بشردوستانه چنین می‌نویسد که: «اگر پادشاهی حقوق اساسی مردم را زیر پا بگذارد، مردم دلیل مشروعی برای مقاومت دارند و اگر استبداد غیرقابل تحمل شود و

---

9 - Grotius

10 - Vattel

موجب قیام مردم گردد، هر قدرت خارجی حق دارد، در صورتیکه مردم مظلوم از او بخواهند، به حمایت از آنها برخیزد.»<sup>(۱۱)</sup>

گروسیوس نیز در این باره می‌نویسد: «یک مسئله وجود دارد و آن اینکه آیا جنگ بخاطر اتباع دولت دیگر و برای دفاع از آنها در مقابل جراحات وارده توسط حاکمشان، می‌تواند جنگ مشروعی باشد. یقیناً از زمان تأسیس جوامع متمدن، در این خصوص شک وجود نداشته است که هر حاکمی از حقوق ویژه‌ای نسبت به اتباعش برخوردار است. اما اگر یک مستبد، مرتکب اعمال بیرحمانه‌ای علیه اتباعش گردد که هیچ فرد عادل نتواند آن را تأیید کند، در چنین حالتی، حق ارتباط اجتماعی انسان‌ها از بین نمی‌رود.»<sup>(۱۲)</sup>

بوچارد در خصوص مداخله بشردوستانه می‌نویسد: «هنگامی که تحت شرایط ویژه‌ای، دولتی حقوق شهروندان را که بر آنها حاکمیت مطلق دارد، نادیده بگیرد. دیگر دولتهای خانواده ملل حق دارند که به دلائل انسانی مداخله کنند.»<sup>(۱۳)</sup>

برخی از نویسندگان اروپایی معتقدند که چنین حقی فقط برای دول متمدن و برای مداخله در امور دول غیر متمدن شناخته شده است. بعنوان مثال مارتنز<sup>(۱۴)</sup> معتقد است در صورتیکه جمعیت مسیحی در قلمرو دولتهای غیر متمدن مورد آزار و اذیت وحشیانه قرار گیرند مداخله دولتهای مسیحی برای نجات جمعیت مسیحی مجاز می‌باشد.<sup>(۱۵)</sup>

---

11 - Fontayne, *The customary International Law Doctrine of Humanitarian Intervention*, 1974, p.214.

12 - Ibid

13 - Borchard, E., *The Diplomatic protection of Citizens Abroad*, 1915, p.14.

14 - Fedro Fedorouich Martens

15- Scheffer, y.David, *Law and Force in the International order*, (Washington: Westview Press, 1991), P.204.

تعدادی از نویسندگان حق مداخله بشردوستانه را در صورتی به رسمیت می‌شناسند که این تصمیم از طرف گروهی از دولتها اتخاذ شده و به مورد اجراء گذاشته شود. بعنوان مثال «فرانتزون لیتز» استدلال می‌کند که نمی‌توان موافق بود که حق مداخله بشردوستانه بنا به تشخیص یک دولت بوجود آید و معتقد بود که حق مداخله باید برای چند دولت ایجاد شود.<sup>(۱۶)</sup> در دوره بعد از منشور نیز تعداد قابل ملاحظه‌ای از حقوقدانان که درباره مداخله بشردوستانه مطالبی نوشته‌اند از قاعده سنتی مداخله بشردوستانه دفاع کرده‌اند. بعنوان مثال لاتر پخت می‌نویسد:

«مجموعه‌ای از آراء و رویه دولتها نشان می‌دهد که رفتار دولتها با اتباعشان دارای محدودیت‌هایی می‌باشد. هنگامی که دولتی با اتباعش رفتار بیرحمانه داشته باشد، به نحوی که وجدان بشریت را جریحه‌دار نماید. از لحاظ حقوقی، مداخله بر اساس ملاحظات بشردوستانه مجاز است.»<sup>(۱۷)</sup> تعداد دیگری از حقوقدانان از جمله لیلیچ، فونته‌ین، رایزمن نیز با لاتر پخت هم عقیده هستند. پروفیسور لیلیچ ضمن حمایت از مداخله بشردوستانه، اضافه می‌نماید که چنین مداخله‌ای نه فقط در هنگام نقض حقوق بشر قانونی است بلکه حتی اگر خطر نقض حقوق بشر نیز وجود داشته باشد چنان مداخله‌ای قانونی است.<sup>(۱۸)</sup>

اغلب نویسندگانی که موافق نیستند در حقوق بین‌الملل سنتی، قاعده‌ای تحت عنوان مداخله بشردوستانه وجود داشته باشد به دوره منشور تعلق دارند زیرا سیستم حقوقی دیگری در خصوص توسل به زور و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوجود آمد. مهمترین استدلال مخالفین

---

16 - Ibid.

17 - Lillich, H., *International Law and Human Rights*, 1950, p.120.

18 - Lillich, Richard, *Humanitarian Intervention and The United Nations*, university press of virginia, 1993, p.130